

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید  
(2003-2007)

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی  
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی  
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

توسط:

محسن مرادی

استاد راهنما: محسن مرادی  
تسلیت

۱۳۸۸/۱۱/۶

استاد راهنما:

دکتر محمدباقر حشمت‌زاده

شهریور 1388

۱۳۰۳۸۴

تقدیم به:

تمامی کسانی که به ایران عشق می‌ورزند؛  
به فردایی بهتر برای ایران می‌اندیشند؛  
و دغدغهی توسعه، شکوه و عظمت ایران زمین را دارند.

تقدیم به:

پدر ارجمند و زحمتکش؛  
که اسوهی صلابت، صداقت و مردانگی است.  
مادر دلسوز و مهربان؛  
به پاس رنج‌هایی که برایم کشید.  
به یار و همراه زندگی‌ام؛  
همسر فداکار و مهربانم.

## برگ تاییدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید (2003-2007)»

نام دانشجو: محسن مرادی

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

این پایان نامه در جلسه 1388/6/16 با شماره 19 و درجه عالی مورد تایید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

دکتر محمد باقر حشمت زاده

استاد راهنما

امضاء

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

استاد مشاور

امضاء

دکتر محمد رضا تاجیک

استاد ناظر

امضاء



دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی  
کد ( ۷۵۰ )

## اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی آذرماه 1387 تا شهریور 1388 به انجام رسیده، به استثناء کمک های مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه بطور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه ها ارائه نشده است.

محسن مرادی

شهریور 1388

امضاء



## سپاسگزاری

نگارش و تدوین این مجموعه عملی بود که بی شک بدون مساعدت، دلگرمی و تشویق دیگران میسر نمی گردید. بر خود لازم می دانم که از برخی از این عزیزان قدردانی کنم.

**جناب آقای دکتر محمد باقر حشمت زاده، استاد راهنما؛**

که در طول نگارش این مجموعه با دقت علمی سکاندار شایسته ای در هدایت این پایان نامه بودند و در معرفی منابع و مآخذ مورد از هیچ کمکی فروگذار نمودند.

**جناب آقای دکتر امیر محمد حاجی یوسفی، استاد مشاور؛**

که علاوه بر دوره ی نگارش پایان نامه در طول دوران تحصیل نیز نکات فراوانی از ایشان آموختم.

**جناب آقای دکتر محمد رضا تاجیک، استاد ناظر؛**

که از راهنمایی ها و نکته سنجی هایشان در داوری پایان نامه بهره فراوان بردم.

**سرکار خانم مهین مرنندی، منشی محترم گروه علوم سیاسی؛**

که دلسوزی ها و زحمات بی شائبه شان مثال زدنی است.

در پایان از تمامی دوستانی که مرا در این راه یاری کردند نهایت امتنان را دارم.

## چکیده

عنوان پایان نامه: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید (2007-2003)».

نام دانشجو: محسن مرادی

استاد راهنما: دکتر محمدباقر حشمت‌زاده

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

تاریخ ارائه: شهریور 1388

در این پژوهش به این سؤال که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق پس از سقوط صدام متأثر از چه عواملی بوده، پاسخ داده می‌شود. بدین منظور در تبیین سیاست خارجی ج.ا.ا با بهره‌گیری از پارادایم واقع‌گرایی می‌توان گفت که در این مقطع عواملی همانند حضور نظامی ایالات متحده، مسایل و منافع سیاسی شیعیان، تهدیدهای سنی رادیکال، منافع اقتصادی و انگیزه‌های بشردوستانه بر جهت‌گیری سیاست خارجی ج.ا.ا در قبال عراق جدید مؤثر بوده‌اند.

این مجموعه عوامل از میزان و شدت تأثیرگذاری متفاوتی برخوردار بوده‌اند. از سویی به علت حضور نظامی ایالات متحده در عراق افزایش تهدیدزایی آن برای امنیت ملی ج.ا.ا را به دنبال داشت. از سویی دیگر، تهدید گروه‌های رادیکال سنی علیه منافع ایران و شیعیان در عراق چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد. این عوامل به علت ماهیت تهدیدزا و ضد امنیتی‌شان باعث گردیدند که سیاست خارجی ج.ا.ا در مقطع مذکور معطوف به امنیت باشد.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عراق جدید، امنیت ملی، ایالات متحده آمریکا، سنی رادیکال، شیعیان.

## فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۲	۱. بیان مساله
۴	۲. سوال اصلی
۴	۳. فرضیه اصلی
۵	۴. پیشینه‌ی تحقیق (پژوهش)
۹	۵. هدف تحقیق
۱۰	۶. روش تحقیق
۱۰	۷. مفاهیم و متغیرها
۱۰	۸. سازماندهی تحقیق
۱۲	فصل دوم: مباحث و مبانی تئوریک
۱۳	مقدمه
۱۵	۱. واقع‌گرایی (رنالیسم)
۱۶	۱-۱. دولت‌گرایی
۱۷	۱-۲. آنارشی
۱۸	۱-۳. خودیاری
۲۳	۲. لیبرالیسم
۲۶	۳. سازه‌نگاری



۳۲	۴. سیاست خارجی و امنیت ملی
۳۵	۵. رئالیسم و امنیت ملی
۳۹	۶. سیاست خارجی ایران در عراق جدید
۴۳	<b>فصل سوم: نگاهی به تاریخ روابط ایران و عراق</b>
۴۴	مقدمه
۴۶	۱. عوامل موثر بر سیاست خارجی ایران
۴۶	۱-۱. ژئوپلتیک
۴۹	۱-۲. هویت و نقش
۵۰	۱-۳. اقتصاد
۵۳	۲. سیاست خارجی ایران در قبال عراق در دوره‌های مختلف
۵۳	۲-۱. دوره اول: دوره‌ی همزیستی و همکاری (۱۹۲۰-۱۹۵۸)
۵۹	۲-۲. دوره دوم: دوره‌ی جنگ و تنش (۱۹۵۸-۲۰۰۳)
۵۹	۲-۲-۱. دوره‌ی تنش (۱۹۵۸-۱۹۷۵)
۶۵	۲-۲-۲. دوره‌ی آرامش و ثبات نسبی (۱۹۷۵-۱۹۷۹)
۶۷	۲-۳. دوره سوم: دوره‌ی جنگ و منازعه (۱۹۸۰-۲۰۰۳)
۷۲	<b>فصل چهارم: حضور ایالات متحده آمریکا در عراق</b>
۷۳	مقدمه
۷۵	۱. سیاست جدید امنیت ملی ایالات متحده آمریکا
۷۹	۲. ایالات متحده؛ مواضع و سیاست‌ها در قبال ایران

۸۳	۳. حضور نظامی ایالات متحده در عراق و مساله‌ی ایران
۸۳	۳-۱. حضور آمریکا به مثابه یک تهدید
۸۷	۳-۲. آینده و ساختار سیاسی قدرت در عراق
۸۸	۳-۲-۱. امکان تهدیدزایی آینده‌ی عراق
۹۱	۳-۲-۲. فرصت‌های ناشی از آینده‌ی سیاسی عراق
۹۳	۴. ایالات متحده و تحولات منطقه‌ای
۱۰۴	<b>فصل پنجم: مساله و منافع سیاسی شیعیان</b>
۱۰۵	مقدمه
۱۰۷	۱. شیعیان عراق؛ یک بررسی اجمالی
۱۰۹	۲. شیعیان عراق و پیوندهای فرهنگی - مذهبی با ایران
۱۱۳	۳. شیعیان عراق، روابط درون جمعیتی
۱۱۹	۴. شیعیان، ایالات متحده و اعراب منطقه
۱۱۹	۴-۱. شیعیان و ایالات متحده
۱۲۲	۴-۲. شیعیان و واکنش‌های منطقه‌ای
۱۲۵	۴-۳. شیعیان و شکاف شیعه- سنی در عراق
۱۳۰	<b>فصل ششم: سنی رادیکال و منافع ملی ایران</b>
۱۳۱	مقدمه
۱۳۲	۱. سنی‌های عراق؛ یک بررسی اجمالی
۱۳۵	۲. سنی رادیکال؛ دیدگاه‌ها و رفتارها

۱۴۰	۳. اهداف و علل گسترش خشونت‌های ضدشیعی
۱۴۵	۴. شبه نظامیان رادیکال اهل سنت عراق
۱۴۸	۵. عراق جدید؛ فضای خشونت و افراط‌گرایی
۱۵۱	۶. رادیکالیسم سنی عراق؛ تهدیدی برای ایران
۱۶۰	<b>فصل هفتم: اقتصاد و رویکرد انسان‌دوستانه</b>
۱۶۱	مقدمه
۱۶۳	۱. بررسی اجمالی وضعیت اقتصادی عراق
۱۶۶	۲. نفت: زمینه‌ای برای همکاری‌های استراتژیک
۱۶۷	۱-۲. نفت به عنوان مساله‌ای اقتصادی
۱۶۹	۲-۲. نفت به عنوان ابزار سیاسی
۱۷۱	۱-۲-۲. عراق جدید و تحولات بازار نفت
۱۷۵	۲-۲-۲. عراق جدید و روابط درونی اوپک
۱۷۸	۳. تجارت و خدمات؛ بستری برای همکاری
۱۸۲	۴. بازسازی؛ فرصتی برای حضور اقتصادی در عراق
۱۸۴	۵. رویکرد انسان‌دوستانه و سیاست خارجی ایران
۱۸۹	<b>نتیجه‌گیری</b>
۱۹۷	کتابنامه

فصل اول

کلیات

## ۱. بیان مساله

سیاست خارجی کشورها تحت تأثیر و ویژگی‌های خاص محیط داخلی و محیط بیرونی یا بین‌المللی شکل می‌گیرد و اهداف، اولویت‌ها و جهت‌گیری خاص آن ترسیم می‌گردد. محیط بین‌المللی یا خارجی به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده اهداف، اولویت‌ها و جهت‌گیری سیاست خارجی از عناصر متعددی تشکیل گردیده است که از جمله‌ی این عوامل می‌توان به ساختار نظام بین‌المللی (تک قطبی، دوقطبی، چند قطبی و غیره)، ساختار نظام منطقه‌ای با ویژگی‌های سیستمی، (ابعادی کوچک‌تر از نظام کلان بین‌المللی و در محدوده‌ی جغرافیایی خاص و یا حتی زیر نظام‌هایی در قلمروهای جغرافیایی محدودتر که عناصر متشکله‌ی یک منطقه را از در نظر جغرافیایی و سیاسی دارا باشد)، رفتارها، اقدامات و یا تحولات در کشورهای همسایه و همجوار، ایدئولوژی‌های کلان و یا خرد، اشاره نمود که این عوامل به تنهایی و یا به صورت ترکیبی تأثیری سازنده بر اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی کشورها دارند.

بنابراین، کشورهای همجوار به واسطه‌ی اشتراکات متعددی که بین آنها وجود دارد و همچنین امکان تأثیرگذاری فوری‌تر و مؤثرتر به علت همجواری، هم از نظر ایجاد فرصت‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی و هم به دلیل احتمال و ایجاد تهدیدهای که آثار فوری‌تری دارد به شدت از هم متأثر می‌شوند. البته با توجه به ویژگی‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی قدرت و اهمیت ژئوپلتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک آنها، دامنه و شدت تأثیرگذاری‌شان در اتخاذ جهت‌گیری خاص سیاسی، هم در اهداف و هم استراتژی و هم در تاکتیک، در سیاست خارجی کشورهای همسایه و مرتبط با حوزه‌ی منافع آنها بیشتر می‌شود.

از این رو، عراق به عنوان کشوری همجوار و هم مرز که طولانی‌ترین مرز مشترک را با ایران دارد و تقریباً تمامی مرزهای غربی ایران را دربرمی‌گیرد به واسطه‌ی حضورش در زیر نظام منطقه‌ای خلیج فارس و نظام منطقه‌ای خاورمیانه و به عنوان کشوری با ویژگی‌ها و منافع خاص مشترک و متفاوت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی همواره جایگاهی اساسی را در سیاست خارجی ایران به خود اختصاص داده است. این اهمیت و جایگاه، متأثر از عوامل و

شرایط نظام بین‌المللی، منطقه‌ای و شرایط خاص سیاسی و امنیتی حاکم در دو کشور در دوره‌های مختلف ضمن برخورداری از اشتراکات و تداوم عناصر تعیین کننده آن، دارای تفاوت‌ها و جایجایی در عناصر متشکله آن بوده است. این وضعیت ناشی از این است که ایجاد تغییرات در هر یک از حوزه‌های مذکور، به منزله‌ی ورود و خروج فاکتوری تاثیرگذار بوده که می‌توانست فرصت جدیدی برای منافع ملی ایران و یا تهدید تاثیرگذاری برای آن و یا نظام سیاسی آن تلقی گردد. از این جهت، همواره توجه به دگرگونی در شرایط جهانی، منطقه‌ای، زیر منطقه‌ای و تحولات داخلی در این کشور مدنظر سیاستگذاران و سیاستمداران ایران چه در دوره پیش از انقلاب و یا در دوره‌ی پس از آن بوده است.

فراتر از مسأیل گفته شده اهمیت عراق در سیاست خارجی ایران، از این نظر نیز حایز توجه می باشد که از زمان تأسیس، کشور عراق همواره در ایجاد تهدیدات سرزمینی، مرزی و حتی سیاسی برای ایران و نظام‌های سیاسی مستقر در آن یک مسأله عمده و حایز اهمیت بوده است. به طوریکه این کشور یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های تاریخ را به ایران تحمیل و همواره ادعای مرزی و سرزمینی نسبت به ایران داشته است. حکومت‌های حاکم بر عراق به هنگام افزایش قدرت و توانمندی‌های این کشور و یا در شرایطی که ایران به دلایلی از ضعف نسبی رنج برده است، تلاش نموده اند تا ادعاهای خود را محقق نمایند از این رو، با توجه به شرایط بین‌المللی و در نظر گرفتن تحولات منطقه‌ای، هرگونه تغییر و تحول در شرایط داخلی عراق می تواند موجب فاکتورهای فرصت ساز و یا تهدیدزا برای ایران و نظام سیاسی آن باشد.

بنابراین، از زمان آخرین تحولات گسترده و جدی در محیط داخلی عراق که با حمله‌ی ایالات متحده امریکا به این کشور و سقوط نظام سیاسی آن، یعنی رژیم بعثی و حکومت دیکتاتوری صدام حسین، در سال ۲۰۰۳ همراه بود، ما شاهد استقرار شرایط نوینی در محیط داخلی عراق بوده‌ایم که با گذشته آن متفاوت است. هر چند عناصر پایدار ژئوپلیتیک را نمی‌توان دگرگون شده تعریف کرد، اما این تغییر در نظام سیاسی عراق و استقرار یک نظام

سیاسی متفاوت و پیدایش عناصر داخلی دیگر و استقرار یک عامل خارجی فرامنطقه‌ای، یعنی؛ ایالات متحده به عنوان ابر قدرت جهانی، به منزله‌ی ایجاد شرایط جدید در کشور همسایه برای جمهوری اسلامی ایران و سپس پیامدهای منطقه‌ای آن، چه در سطح زیر نظام منطقه‌ای یا سطح کلان تر منطقه‌ای می‌باشد. بنابراین، برای مطالعه‌ی این دوره از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شناسایی عوامل و فاکتورهای تاثیرگذار، فرصت‌های مقدور برای منافع ملی و نظام سیاسی و همچنین عوامل تهدیدزای این منافع ضروری می‌باشد. اکنون با توجه به وضعیت عراق جدید پرسش ذیل جهت مطالعه و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی ج.ا.ا در عراق جدید مطرح می‌گردد.

## ۲. سوال اصلی

عوامل و فاکتورهای تاثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق پس از سقوط صدام حسین چه بوده است؟

در پاسخ به این سوال، با دقت در شرایط موجود و حاکم بر عراق بین سال‌های (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷) می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که:

## ۳. فرضیه‌ی اصلی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره معطوف به امنیت بوده و از حضور نظامی و تهدید ایالات متحده آمریکا، تهدید سنی رادیکال، منافع سیاسی شیعیان، منافع اقتصادی و رویکردهای انسان دوستانه جمهوری اسلامی ایران متاثر بوده است.

#### ۴. پیشینه‌ی تحقیق (پژوهش)

کتاب‌ها و مقالات متعددی در خصوص سیاست خارجی ایران در عراق جدید و روابط دو کشور پس از سقوط رژیم بعثی در عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ به بعد نگارش یافته است. با توجه به اهمیت موضوع و بررسی آثار و تألیفات نگاشته شده به نظر می‌رسد که هر کدام از بعدی خاص به بررسی مسأله پرداخته اند و لذا از ابعاد گوناگون فرصت‌های زیادی برای مطالعه و پژوهش در این حیطة وجود دارد که حق مطلب به خوبی ادا نگردیده و هنوز جای بررسی بسیاری از زوایای مختلف آن وجود دارد. در مجموع، کتاب‌ها و مقالاتی که راجع به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق در این مقطع نگاشته شده، به لحاظ کمی و کیفی محدود می‌باشند. از جمله، مهمترین کتاب‌ها و مقالاتی که نگارنده در روند تحقیق به آنها دسترسی داشته و مورد مطالعه قرار گرفته یا به طور کلی مجموع نوشته‌هایی که ادبیات تحقیق این موضوع را تشکیل می‌دهند، اهم آنها را می‌توان چنین ارزیابی و طبقه‌بندی نمود.

۱. «سیاست خارجی ایران در عراق جدید»<sup>۱</sup> این کتاب توسط آقای کیهان برزگر نوشته شده و به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق پس از سقوط صدام می‌پردازد. نویسنده این روابط را در چارچوب نظریه‌های واقع‌گرایی و سازه‌گرایی تحلیل می‌نماید و معتقد است که سیاست خارجی ایران در مقطع مذکور به طور کامل با رویکرد واقع‌گرایانه قابل توضیح نمی‌باشد و صرفاً ماهیتی ارزشی ندارد که بتوان به طور کامل آن را در چارچوب تئوری‌های سازه‌گرایی تحلیل نمود. بلکه اساساً عناصری از هر کدام از این قالب‌های فکری را در آن می‌توان یافت که می‌تواند بخشی از واقعیات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در قبال عراق توضیح دهد. وی آنگاه در تشریح این مسأله به استفاده از هر دو تئوری فوق‌مبادرت می‌ورزد و می‌کوشد هر بخش و حوزه را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تئوری سازگارتر، بیان نماید.

<sup>۱</sup> - کیهان برزگر. سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶.



۲. «سیاست خارجی ایران در قبال عراق جدید»<sup>۱</sup>: نویسنده این مقاله آقای کامران طارمی می باشد. وی در این مقاله با تأکید بر رویدادهای عراق پس از سقوط صدام، حول دو مساله یا موضوع متمرکزی گردد.. یکی، تقلیل رابطه ایران- عراق به رابطه ایران- امریکا در نتیجهی این تحولات و دیگری تلاش سیاست خارجی ایران برای ارتقاء موقعیت شیعیان در ساختار سیاسی جدید عراق که در مورد اول، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ایجاد مانع برای ایالات متحده در تکرار حمله‌ای مشابه عراق به ایران معطوف است، و در حالت دوم، عطف به آیندهی سیاسی عراق که با توجه به ویژگی‌ها و قرابت‌های فرهنگی جوامع شیعی دو کشور، می‌کوشد ضمن حفظ یکپارچگی عراق نقشی اساسی را در ساختار سیاسی این کشور ایفا نماید تا از رهاورد این موقعیت، تهدیدهای دیرینه عراق در قبال ایران فروکش کرده و جای خود را به همکاری‌های بیشتری بدهد.

۳. «روابط ایران- عراق پس از صدام»<sup>۲</sup>: نویسنده این مقاله آقای انوشیروان احتشامی است و در سال ۲۰۰۳ در مجله‌ی *washington quarterly* به چاپ رسیده است. احتشامی با این پیش فرض که تحولات عراق پس از سقوط صدام سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و حتی سیستم سیاسی این کشور را متأثر خواهد کرد، به این مساله می‌پردازد که اکنون با سقوط رژیم صدام نگرانی امنیتی متقابل از بین رفته و زمینه برای ارتقای ظرفیت همکاری‌ها مهیاتر گردیده است. نویسنده سپس در پاسخ به این سوال که چه عواملی روند آتی سیاست خارجی منطقه‌ای ایران را متأثر خواهد کرد؟ معتقد است، آنچه که آینده سیاست خارجی ایران را در این حوزه متأثر می‌کند میراث روابط گذشته دو کشور، مانند مسأله باقیمانده از جنگ، ساختار سیاسی آینده عراق با حضور گروه‌های مختلف شیعی مذهب با رویکردهای که در مورد منطقه و ایران اتخاذ می‌کنند و نیز حضور ایالات

<sup>۱</sup> - Kamran Tarami, "Iranian Foreign policy Toward the New Iraq," *The Iranian Journal of International Affairs* Vol.xvi, No.۴, ۲۰۰۵, pp.۱۵۵-۴۲۵.

<sup>۲</sup> - Anaushiravan Ehteshami, "Iran- Iraq Relations after saddam," *The Washington Quarterly*, No.۳, Autumn ۲۰۰۳, pp.۱۱۵-۱۲۹.

متحده به عنوان رکن سوم این روابط می‌باشد. این مسأله در مجموع شرایط منطقه‌ای را شکل می‌دهند که سیاست خارجی ایران از آن متأثر خواهد بود.

#### ۴. «موقعیت بین‌المللی ایران پس از سقوط بغداد»<sup>۱</sup>: این مقاله هم توسط انوشیروان احتشامی نگارش

یافته و توسط آقای دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی ترجمه شده است. نویسنده در این مقاله در صدد فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق پس از سقوط صدام می‌باشد. وی برای فهم این مسأله بر دو دسته از فاکتورهای تعیین‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید می‌نماید که به نظر وی به اندازه هم پیچیده، پویا و بی‌ثبات هستند. از نظر وی این عوامل عبارتند از؛ رابطه‌ی میان نیروهای داخلی در ساختار سیاسی پیچیده و درهم تنیده ایران که متشکل است از نظام قدرت نهادی و قانونی مشتمل بر دفتر رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، جناح‌بندی‌های سیاسی، مواضع جناح‌های سیاسی که اختلافات داخلی خود را با واژه‌های سیاست خارجی بیان می‌کنند، اقتصادی شدن پایدار سیاست خارجی ایران، مطالبات و خواسته‌های مختلف مردم و در نهایت انگیزه‌های استقلال‌خواهانه‌ای که در ایران وجود دارد. همچنین از نگاه نویسنده مجموعه عوامل منطقه‌ای، همانند برخورداری از مجموعه‌ای متنوع از همسایگان، شرایط ژئوپلیتیک منطقه‌ای، آینده‌ی سیاسی عراق، رابطه‌ی آینده میان فلسطین و اسرائیل، رابطه‌ی ایالات متحده با اتحادیه اروپا با توجه به میزان همراهی سیاست‌های آنها در قبال عراق و منطقه و نیز نگرانی‌های امنیتی ایران با ظهور چند دولت جدید وجود دارند که سیاست خارجی ایران را از خود متأثر می‌نمایند.

#### ۵. «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»<sup>۲</sup> در این مقاله نویسنده به بررسی تاثیر

تحولات جدید در قالب عراق پس از سقوط صدام با توجه به قدرت قابل توجه شیعیان در ساخت سیاسی قدرت در

<sup>۱</sup> - Anaushravan Ehtehermi, "Irani International Posture after the Fall of Baghdad," Middle East Journal, Vol. ۵۸, No. ۲, Spring ۲۰۰۱, pp. ۱۷۹-۱۹۴.

<sup>۲</sup> - کیهان بزرگر، «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه خلیج فارس»، فصلنامه راهبرد، شماره‌ی ۴۳، بهار ۱۳۸۶، صص ۷۵-۵۹.

عراق می‌پردازد. از نظر وی با رویکرد همکاری‌جویانه بین ایران و عراق، به منظور شکل‌گیری یک نظام امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر واقعیت‌های حاکم بر منطقه که باید با حضور همه‌ی بازیگران منطقه‌ای صورت گیرد، اهمیت عراق جدید در سیاست ایران در قبال منطقه‌ی خلیج فارس قابل‌ازیابی می‌باشد.

#### ۶. «عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»<sup>۱</sup>: نویسنده این مقاله بر آن است که

ایالات متحده با تغییر نظام سیاسی عراق در صدد ایجاد مرجعیت جدید ایدئولوژیک در منطقه‌ی خاورمیانه است، تا مرجعیت‌های پیشین را تضعیف کند. از سوی دیگر، با وارد کردن عراق به ترتیبات امنیتی خلیج فارس، ساختار قدرت در این حوزه را از حالت سه قطبی به دو قطبی تغییر دهد، به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای به کشوری دست دوم تبدیل شود. وی بر این اعتقاد است تحقق این تحولات، نظام جمهوری اسلامی را به رژیم حاشیه‌ای مبدل می‌کند، که از تأمین اهداف کلان خود ناتوان می‌گردد. به عبارت دیگر، آنچه که در پرتو تحولات جدید عراق در معرض تهدید قرار خواهد گرفت، منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

بنابراین، با بررسی ادبیات موجود در مورد عوامل مؤثر بر سیاست خارجی ایران در قبال عراق جدید، به برخی از منابعی که تناسب و نزدیکی بیشتری با موضوع داشتند اشاره گردید. اگرچه این آثار به بخشی از این عوامل نیز اشاراتی داشتند و از منظری به تحلیل و بررسی آن پرداخته بودند، اما کماکان ادبیات موجود با خلأهایی رو به روست که در این تحقیق سعی شده به آنها اشاره گردد و مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. از نکات اساسی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و در دیگر نوشته‌ها مفقود می‌باشد، توجه همزمان به عوامل حضور ایالات متحده، منافع سیاسی شیعیان، عامل سنی رادیکال که در سطوح مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است به صورت پیچیده و چند لایه‌ای سیاست خارجی ایران را از خود متأثر می‌نماید. همچنین از نکات مورد توجه در این تحقیق

---

<sup>۱</sup> - فرزاد پورسعید، «عراق جدید و تهدید منزلت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۲. صص ۴۵۳-۴۲۹.

بررسی اثرگذاری عامل اقتصادی و عوامل ارزشی انساندوستانه می‌باشد که هر یک به نحوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

## ۵. هدف تحقیق

هدف از انتخاب این موضوع برای تحقیق از یک طرف، پیدایش وضعیت جدید در عراق به عنوان یک همسایه‌ی بزرگ ایران با امکان ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهای جدی برای جمهوری اسلامی ایران، آن هم به وسیله‌ی ایالات متحده آمریکا و در واقع به نوعی همسایگی ایران و ایالات متحده و احتمال وقوع پیامدهای ناشی از این وضعیت برای ایران و نظام سیاسی مستقر آن است. بنابراین، شناخت عوامل تاثیرگذار جدید بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به لحاظ کاربردی نیز مد نظر قرار گیرد و در روشن شدن مولفه‌های مهم، تاثیرگذار و شکل‌دهنده‌ی به آن مورد توجه قرار گیرد.

از طرف دیگر، با توجه به اهمیت گفته شده در طی زمانی که این تحولات رخ داده است، متون علمی که بیانگر و روشن کننده زوایا و ابعاد و پیامدهای مختلف آن باشند، با ضعف‌ها و کاستی‌های مواجه است. از این رو، هدف دیگر از این پژوهش می‌تواند تلاش در جهت شناخت بیشتر عوامل تاثیرگذار جدید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در مقطع مذکور باشند، به طوری که بخشی از ابعاد مغفول آن را در معرض سوال، مطالعه و بررسی قرار دهد.